



## Phenomenology of the Production of Urban Spaces Based on the lived Experience of Tehran Citizens in Public Cultural Places

### ABSTRACT INFO

#### Article Type

Original Research

#### Authors

1. Peyman Hosseini Gohari
- 2\*.Ali Akbari
3. Reza Afhami

1. PhD Student, Department of Architecture, Kish International Branch, Islamic Azad University, Kish Island, Iran.

2\*.Assistant Professor, Department of Architecture, Yadegar-e-Imam Khomeini (RAH) Shahre Rey Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

3. Associate Professor, Department of Research in Art History, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.

### ABSTRACT

**Aims:** In Tehran, which is a city born in the modern era and is always open to immigration, establishing a meaningful relationship between the urban space/architectural bodies and citizens has been one of the most important design and planning challenges. The demographic structure and buildings undergo dramatic changes at a high speed, and citizens find fewer points of support to recreate themselves and their memories with them.

**Methods:** Research paradigm is interpretive and the approach is quantitative. The collected data through a survey study is analyzed with statistical tests. Data analysis is done through descriptive-analytical research design and the validity of the research model has been measured thorough exploratory factor analysis.

**Findings:** In the dimension of “spatial practice”, “physics and the structure of space” followed by “the structure of signs”, have gained the most points. The respondents are able to understand the relationships of the components and the language that conveys the meanings in experienced spaces. In the dimension of “representation of space”, “ideology and mental preconceptions” has the highest score, which means that the respondents interfere their mentalities in judging the qualitative values of the space. In the “representational space”, the “social perception” has the highest average which means that people have given importance to their psychological needs in the experience of the public space alongside other citizens.

**Conclusion:** The phenomenological dimensions of space in the realm of cultural uses can be counted and evaluated in a way that is concentered in people's lived experience of space. This can significantly affect the planning of urban spaces and the design of architectural bodies.

**Key words:** the production of space, phenomenology of space, contemporary architecture of Tehran, cultural architecture, lived experience

### \*Corresponding Author

[Ali.akbari@iau.ac.ir](mailto:Ali.akbari@iau.ac.ir)

#### Article History

Received : December 21, 2022

Accepted : February 6, 2023

Copyright© 2020, TMU Press. This open-access article is published under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License which permits Share (copy and redistribute the material in any medium or format) and Adapt (remix, transform, and build upon the material) under the Attribution-NonCommercial terms.

## پدیدارشناسی تولید فضای شهری در تجربه زیسته شهروندان تهران از فضاهای عمومی فرهنگی

پیمان حسینی گوهری

دانشجوی دکتری، گروه معماری، واحد بین‌الملل کیش، دانشگاه آزاد اسلامی، جزیره کیش، ایران.

علی اکبری\*

استادیار، گروه معماری، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهرری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

رضا افهمی

دانشیار، گروه پژوهش و تاریخ هنر، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

چکیده

**اهداف:** در تهران که شهری زاده دوران مدرن و همواره مهاجرپذیر است، برقراری رابطه معنادار میان فضای شهری/کالبدهای معماری با شهروندان، یکی از مهم‌ترین چالش‌های طراحی و برنامه‌ریزی بوده است. بافت جمعیتی و کالبدها با سرعت زیاد دچار تحولات چشم‌گیر می‌شوند و شهروندان نقاط اتکای کمتری می‌یابند تا خود و خاطرات‌شان را با آن‌ها باز یابند.

**روش‌ها:** پارادایم تحقیق تفسیری و رویکرد تحقیق، کمی است. منطق استدلال مبتنی بر استدلال استنتاجی است. آنالیز داده‌ها از طریق طرح تحقیق توصیفی-تحلیلی و آزمون میانگین داده‌ها، تعیین ضریب همبستگی مؤلفه‌ها و نهایتاً تحلیل عاملی اکتشافی انجام شده است.

**یافته‌ها:** در بعد کنش فضایی، «فیزیک و ساختار فضا» و «ساختار نشانه‌ها» بیشترین امتیاز را کسب کرده‌اند. پاسخ‌دهندگان قادر به درک ساختار فضا و رابطه اجزا و فهم زبانی هستند که معانی را منتقل می‌کند. در بعد بازنمایی فضا، «ایدئولوژی و پیش‌داشته‌های ذهنی» بالاترین امتیاز را به خود اختصاص داده است. پاسخ‌دهندگان ذهنیت‌های خود را در تطبیق با تجربه‌های جدید در قضاوت ارزش‌های کیفی فضا، دخالت داده‌اند و نسبتی از آن را انتظار دارند. در بعد فضای بازنمایی، «ادراک اجتماعی» بالاترین میانگین را داشته است و این می‌رساند که افراد به پاسخ‌گویی فضا به نیازهای روانی آن‌ها

از امر اجتماعی و تجربه فضا در کنار سایر شهروندان اهمیت داده‌اند.

**نتیجه‌گیری:** ابعاد پدیدارشناختی فضا در روند تولید فضای عمومی شهری در قلمروی کاربری‌های فرهنگی، به نحوی قابل‌احصا و ارزیابی است که در تجربه زیسته افراد از فضا ملموس است. این امر می‌تواند به طرز معناداری برنامه‌ریزی فضاهای شهری و طراحی کالبدهای معماری را تحت تأثیر قرار دهد.

**واژگان کلیدی:** تولید فضا، پدیدارشناسی فضا، معماری معاصر تهران، فضاهای فرهنگی شهری، تجربه زیسته.

تاریخ دریافت: [۱۴۰۱/۹/۳۰]

تاریخ پذیرش: [۱۴۰۱/۱۱/۱۷]

\* نویسنده مسئول: [ali.akbari@iau.ac.ir](mailto:ali.akbari@iau.ac.ir)

### ۱. مقدمه

فضاهای عمومی شهری آن دسته از فضاهای مورد استفاده شهروندان هستند که حضور آزادانه افراد و فعالیت‌های ارادی و خودانگیخته در آن‌ها ممکن و بلا مانع است. این فضاها همه‌آحاد جامعه را اعم از شهروندان، مسافران و گردشگران هدف قرار می‌دهند. بنابراین در برنامه‌ریزی فضایی آن‌ها تلاش می‌شود موقعیت‌های حضور متنوع و متکثر برای پاسخ‌دهی به نیازها و انتظارات گروه‌های مختلف از افراد جامعه در رده‌های سستی متفاوت، منظور شود. با توجه به این ویژگی‌ها، عمده‌ترین برنامه‌ریزی فضایی برای این محدوده‌ها، کاربری‌های فرهنگی است. این موقعیت منحصربه‌فرد، موجب می‌شود خاطره فضا ناشی از تجربه زیسته افراد، در ذهن آنان شکل گرفته و مبنای قضاوت‌شان از کیفیت فضا باشد. این خاطرات در بسیاری از مواقع از امر نسلی فراتر می‌رود و به پدیده بین‌نسلی تبدیل می‌شود و پایداری ذهنیت از فضا طی زمان میان نسل‌های

که نوعی رابطه معنادار قدرتمند بین محیط و کاربر برقرار شود. در فضاهای عمومی با کاربری فرهنگی، نوعی احساس تعلق موقت و بهره‌برداری پویا از فضا از طریق مشارکت افراد و اجتماعی شدن، هر یک از آنان را به جامعه و فضا متصل می‌کند. از این‌رو، فضاهای عمومی فرهنگی در کلان‌شهرهای مدرن و پرجمعیت، نقش مهمی ایفا می‌کنند چراکه شهروندان و بازدیدکنندگان را به شهر پیوند می‌زنند. درست همین‌جاست که نحوه برقراری و شکل‌گیری این پیوند و مؤلفه‌های مؤثر بر تعامل و مشارکت بدنی/ذهنی میان شهر و مردم، در برنامه‌ریزی‌های معماری و شهرسازی، در سیاق‌های متفاوت اجتماعی و فرهنگی مورد پرسش قرار می‌گیرد.

در تهران که شهری نوپا، زاده دوران مدرن و همواره مهاجرپذیر است، برقراری رابطه معنادار میان فضای شهری/کالدهای معماری با شهروندان، یکی از مهم‌ترین جنبه‌ها و چالش‌های طراحی و برنامه‌ریزی بوده است چراکه ساکنان این کلان‌شهر، هرروز افزوده می‌گردد، بافت جمعیتی هر از چند سال دچار تغییرات زیادی می‌شود و کالدهای معماری با سرعت زیاد دچار تحولات چشم‌گیر می‌شوند و شهروندان نقاط اتکای کمتری می‌یابند تا خود و خاطرات‌شان را با آن‌ها باز یابند. از این‌رو، از منظر پدیدارشناختی ادراک فضا، تحلیل مؤلفه‌های مؤثر بر تجربه زیسته انسان‌ها از فضاهای حضورشان، به‌ویژه در فضاهای عمومی با کاربری فرهنگی، یکی از راهبردهای ضروری و پراهمیت در توسعه شهری است.

## ۲. چارچوب نظری تحقیق

از آنجاکه فضای اجتماعی، محصول عاملیت انسانی است، به سهم خود در تکوین و شکل‌گیری مناسبات اجتماعی، سیاسی،

مختلف را موجب می‌گردد. از این‌رو، فضاهای عمومی فرهنگی یکی از پراهمیت‌ترین کاربری‌ها در تولید فضای شهری محسوب می‌شوند. توجه به این مسئله در دنیای امروز که مهاجرت، پدیده غالب کلان‌شهرهای مدرن است و تکثر فرهنگی در میان مهاجران و ساکنان، چالش اساسی در برنامه‌ریزی و مدیریت شهری و طراحی معماری فضاهاست، اهمیت و ضرورت دوچندان یافته است.

از وجه دیگر، معانی و کارکردهای متفاوت فضاهای عمومی شهری امکان برقراری ارتباط بین فضا و هر فرد به‌عنوان کاربر را ممکن می‌سازد. در واقع، مردم معمولاً با محیط کالبدی و اجتماعی محاط‌کننده خود، ارتباط جسمی/ذهنی برقرار می‌کنند اما زمانی به فضاهای عمومی مجذوب می‌شوند که محیط به بخش تأثیرگذاری از زندگی‌شان تبدیل شود و نیازها و انتظارات آنان را برآورده کند. چند دهه پیش، استفن کار و همکاران اعلان کردند که جنبه‌های مختلف فضاهای عمومی در فرصت‌های فضایی منعکس می‌شود که به کاربران فضا ارائه شده است. به این معنا که فضاهای عمومی پاسخ‌گو، دموکراتیک و با ظرفیت‌های خلق معنا، آن دست فضاهایی هستند که مورد استقبال مردم واقع می‌شوند. [۱-۲] فضاهای عمومی پاسخگو نیازهای مختلف کاربران اعم از راحتی، آرامش، تعامل فعال و غیرفعال، کشف و معاشرت را برآورده می‌کند. فضاهای عمومی کاربردهای متفاوت را تسهیل می‌کنند و برای گروه‌های مختلف مردم در دسترس و قابل بهره‌برداری هستند. این فضاها به ساکنان و گردشگران امکان می‌دهند تا به‌صورت موقت بر فضا کنترل داشته باشند و یا در خلق موقعیت‌های خاص از بهره‌برداری از فضا مشارکت کنند. فضا زمانی معنا پیدا می‌کند

فضای بازنمایی نزد لوفور همان فضای زیسته است، فضایی که بستر زندگی روزمره و در تقابل با تسلط فضای تحمیل شده است. این سه وجه تولید فضا در اندیشه لوفور، یعنی امر درک شده، امر تصور شده و امر زیست شده، نقاط مرجع پدیدارشناسی فضا هستند. فضا در وجه تجربه زیسته خود، مفهومی اندیشیده شده و احساس شده را شامل می شود که بر جسمانیت و کالبد آن انضمام می یابد. از این رو، فضا برخاسته از وجود زیست شده، معنادار می شود و به بیان دقیق تر، پدیدار می گردد. هر کس با حضور در فضا، به وسیله دریافت های حسی اش محیط را ادراک می کند و به هست بودنش در فضا معنا می بخشد و این امر، منجر به کسب معرفت و آگاهی از کیفیت وجود پدیده ها در آدمی می شود. [۱۱] فضای زیست شده، سرآغاز پدیدارشناسی تکوین امر ذهنی است که در گذار از فضای ادراک شده، تصاویر ذهنی از فضا را برمی سازد و در ترکیب و ادغام با تصویرهای ذهنی قبلی، در فرآیند تخیل، صورت های ذهنی بدیعی می سازد که همان فضای تصور شده در نظریه لوفور است. فضای جسمانی و کالبدی، خود را با مؤلفه هایی مانند بیابینیت، شفافیت، حرکت و مکث، امتداد سطوح و فعالیت ها [۱۲] نشانه ها، مادیت فیزیکی، متریاها و تناسبات، قلمروهای فضایی، دیالکتیک درون و برون، و مرکزیت در فضا به مخاطب ارائه می کند. [۱۳-۱۴]

فضای اجتماعی در پدیدارشناسی لوفور علاوه بر اینکه دربرگیرنده مادیتی انضمامی است، مفهومی اندیشیده و احساس شده را نیز شامل می شود که از تجربه فضا نشئت می گیرد. به هنگام حضور در موقعیت های فضایی، مادیت فضا یا پرکتیس مادی به خودی خودی و فارغ از اندیشه ای که آن را هدایت و بازنمایی کند و نیز بدون مؤلفه زیست شده- تجربه شده

اقتصادی و حقوقی تأثیرگذار است [۳-۴] در سده بیستم یکی از اندیشمندانی که سهم گسترده و عمیقی در نظریه سیاسی و جامعه شناسی فضا داشته، آنری لوفور است. انتشار نظریه تولید فضا به سال ۱۹۷۴ در بسط رویکردهای رادیکال، ماتریالیستی و به لحاظ نظری، انتقادی نسبت به فضا نقش بی بدیلی داشت. [۵] از همین رو جغرافیای آثار لوفور در حوزه علوم اجتماعی فضا به فرانسه محدود نشد و نوشته های او در باب مسائل شهری بیش از دیگر جنبه های آثارش مورد توجه قرار گرفت. لوفور در نظریه جامع خود در باب فضا، بر مفهوم تولید تأکید می کند تا اندیشه اش را معطوف به مسئله مارکسیستی تحلیل ریشه های جامعه سرمایه داری کند تا به روال مارکس به فراسوی بت وارگی نمودهای قابل مشاهده رفته و تناقضات ذاتی و پویای درونی جامعه را دریابی کند. در تفکر لوفور فضا، نه ابژه ای را که بی تحرک بلکه به مثابه پدیداری ارگانیک و زنده بازتفسیر می شود. [۶-۷] در این تعریف، فضا یک لحظه فعال در واقعیت اجتماعی است و مشروط به مرحله معینی از تکامل اجتماعی است. به زعم لوفور سه مؤلفه اساسی برای تولید فضا ضروری است که عبارت اند از پرکتیس فضایی، بازنمایی های فضا و فضاهای بازنمایی. [۵] پرکتیس فضایی به جریان های مادی و فیزیکی (افراد، گروه ها یا کالاها) اشاره دارد که در سراسر فضا اتفاق می افتد و تولید و بازتولید فضای اجتماعی را تضمین می کنند. [۸] در اندیشه لوفور، بازنمایی های فضا عبارت اند از فضای مفهوم پردازی شده توسط همه کسانی که آنچه را زیسته و درک شده با آنچه تصور شده است، یکی می دانند. این فضای مسلط بر هر جامعه ای است. [۹] این فضا، تصور شده و انتزاعی است زیرا ایدئولوژی را در پرکتیس خود جای می دهد. [۱۰]

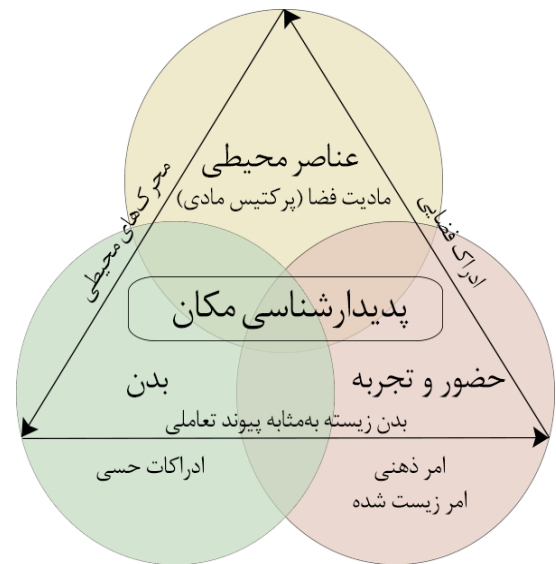
پدیدارشناسی فضا را منتج می‌شود. به این معنا که جهان خارج بر نفس سوژه، به اعتبار نسبتی که به آن برقرار می‌کند، پدیدار می‌شود. [۱۶] نفس، بر اساس دریافت‌های درونی از امور پیشاتأملی به شمول امور فطری و امور اکتسابی اعم از سنت‌ها، رسوم، باورها و ارزش‌ها، نیل به کسب آگاهی را می‌پیماید و به امر ذهنی بدیع و تازه دست می‌یابد. این ذهنیت تازه، در تعمیم به موقعیت‌های دیگر، می‌تواند بدل به امر بین‌الذهانی و امر ذهنی جمعی شود. به گفتهٔ برک، تاریخ ذهنیت جمعی دارای یک عنصر سازندهٔ بنیادین است که همانا بازنمایی است. [۱۷-۱۸]

بازنمایی در اینجا تجسدیافتگی الگوهای رفتاری فردی و جمعی انسان‌ها در فضا است. [۱۹] بنابراین، هر فضای ساخته‌شده بازتاب و تبلور مادی انحا حضور آگاهی انسان‌هاست. به این اعتبار فضای ساخته‌شده، امکان می‌دهد تا انسان‌ها تا بازتاب وجود خویشان را در عالم هستی مشاهده و تجربه کنند. [۲۰-۲۱]

بر همین اساس، سه وجه پدیدارشناختی فضا از منظر تریالکتیک فضایی لوفور که متشکل از سه وجه کنش فضایی، فضای بازنمایی و بازنمایی فضا است و نیز مؤلفه‌های بر سازندهٔ هریک در تصویر شماره ۲ نشان داده شده است.

مطابق تصویر ۲، می‌توان مؤلفه‌های پدیدهٔ فضا را در سه وجه کنش فضایی، فضای بازنمایی و بازنمایی فضا در سه بعد فضای زیسته، فضای تصور شده و فضای ادراک‌شده بازتولید کرد. فضای زیسته دال بر جهانی است که توسط انسان‌ها در فعالیت‌های روزمره‌شان در محیط کالبدی تجربه می‌شود که قطعاً متفاوت از تحلیل‌های تئوریک در حوزهٔ فضا است. تجربهٔ زیسته همواره چیزی فراتر از تحلیل‌ها و گفته‌هاست [۲۲] و در نسبت میان بدن انسان و بدن فضا، هم‌نشینی عناصر بر سازندهٔ فضا و ساختار

و ادراکات حسی و احساس‌هایی که موقعیت برانگیخته می‌شود، نمی‌تواند وجود داشته باشد. [۱۵] برهمکنش مادیت فضا، تجربهٔ بدنی و حضور در فضا در پدیدارشناسی مکان در تصویر ۱ نشان داده شده است.



شکل ۱. برهمکنش مادیت فضا، تجربهٔ بدنی و حضور در فضا در پدیدارشناسی مکان (مأخذ: نگارندگان)

در پدیدارشناسی لوفور، فهم ماتریالیستی از پدیده‌ها آن‌طور که تا حد زیادی موريس مرلوپونتی دنبال کرده است، اصالت می‌یابد. به این معنا که تنانگی، اعم از کالبد فضا و بدن سوژه در فضا، مسئلهٔ اصلی است و دریافت‌های عناصر محیطی ناشی از محرک‌ها، به‌واسطهٔ حضور در فضا و تجربهٔ آن، سرآغاز فهم، تولید و بازتولید فضاست. بنابراین، تناسبات فضا، مصالح و ساختار هم‌نشینی عناصر و اجزاء، وجه اصلی بر سازندهٔ مکانیت فضاست. از سوی دیگر، پیش‌داشته‌های ذهنی، آگاهی نسلی، آگاهی بین‌نسلی طی زمان، ارزش‌ها و ایدئولوژی‌ها، اسطوره‌ها و استعاره‌ها در سیاق فرهنگی-اجتماعی سوژه، وجه ذهنی این پدیدارشناختی را می‌سازد که در تعامل با وجه فیزیکی،

نشانه‌های معنادار شکل می‌گیرد. از وجه فضای تصور شده باید دانست که فضا را نمی‌توان به اتکای خودش و بدون توجه به تأثیر صورت‌های ذهنی شکل گرفته از آن در اندیشه آدمی درک کرد. از این رو، کنش اندیشه در تولید معرفت به فضا، مؤثر است. از وجه فضای ادراک شده، ادراک فضا از طریق ادراکات حسی و بدن‌مند، رابطه مستقیم با مادیت فضا دارد اما ادراکات روانی و

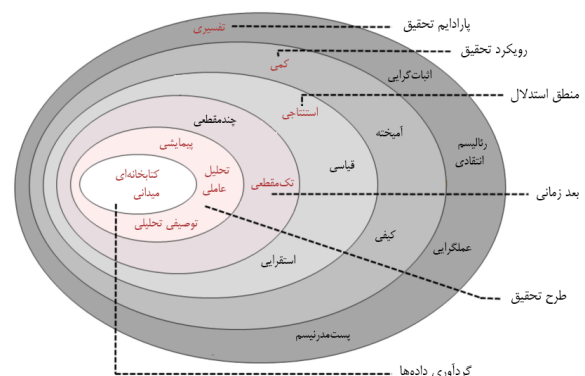
اجتماعی نیز در ادراک فضا تأثیرگذارند. از همین جاست که لوفور به صرف ادراکات حسی متوقف نمی‌ماند و امر فضایی را فراتر از آن تعریف می‌کند. بنابراین عوامل و مؤلفه‌های شکل‌دهنده پدیده فضا نزد لوفور را می‌توان مطابق جدول ۱ و به اتکای نظریات اندیشمندان معماری و شهرسازی بازتعریف نمود و بسط داد.

جدول ۱. عوامل و مؤلفه‌های شکل‌دهنده پدیده فضا نزد لوفور در تطبیق با آرای متفکران معماری و شهرسازی (مأخذ: نگارندگان)

مفهوم	ابعاد	عوامل	مؤلفه‌ها	تعریف	مراجع اصلی پشتیبان در معماری و شهرسازی
	کنش فضایی	تجربه فضا	فیزیک و ساختار فضا	کالبد جسمانی فضا شامل مصالح، تناسبات، روابط فضایی، عناصر و اجزا، پدیده‌های برسازنده مانند نور و سایه، چشم‌انداز و منظر فضا.	سیمون [23-25] مدنی‌پور [26]، یان گل [27]، پروین پرتوی [28]
			فعالیت‌ها	الگوهای رفتاری طراحی شده و امکان‌پذیر در فضا و نحوه کاربرد فضا توسط کاربران	
			هم‌نشینی اجزا	اطوار در کنار هم بودگی عناصر سازنده فضای فیزیکی می‌تواند موقعیتی فراتر از آنچه هست، ایجاد کند.	
پدیده فضا	فضای بازنمایی	صور ذهنی و نظام دلالت‌ها	ساختار نشانه‌ها	ارتباط معنادار و معنا ساز آگاهانه یا ناخودآگاه نشانه‌ها در فضا که موجب خلق معانی می‌شود.	
			باورها	امور انتزاعی ذهنی که منجر به بروز رفتارهای انسان‌ها در فضا می‌شود.	آموس رایاپورت، [29-30] رضاسیروس صبری [31]
			رسوم و سنت‌ها	ساختارهای تاریخی اجتماعی که بر رفتار و ادراک انسان‌ها در فضا تأثیر می‌گذارد.	کریستین نوربرگ شولتز- [32] 33 آلبرتو پرز-گومز [34]
			ایدئولوژی و پیش‌داشته‌های ذهنی	نظام ارزش‌گذاری ناظر و حاکم بر رفتار و حضور انسان‌ها در موقعیت‌های فضایی	
			اسطوره‌ها	عناصر، نشانه‌ها و مفاهیم برسازنده ساختار فکری و نظام اندیشه انسان‌ها	
	فضا	معرفت به فضا	ادراک بدن‌مند	دریافت‌های محیطی توسط دستگاه عصبی از سرچشمه حواس انسان	برایان لاوسن [35-36] یوهانی پالاسما [37]، استیون هال [21]
			ادراک نفسانی	دریافت‌ها پیام‌ها در قوه نفس انسان	
			ادراک روانی	بازشناسی پیام‌های محیط در ساختار نظام روان‌شناختی انسان در طرف زمان و مکان	
			ادراک اجتماعی	بازشناسی پیام‌های دریافت شده در	

## ۳. روش‌شناسی پژوهش

در این مطالعه، پارادایم تحقیق تفسیری است چراکه معرفت به واقعیت از طریق مطرح کردن تفسیر از واقعیت و نهایتاً نیل به ارائه نوعی الگوی مورد توافق حاصل می‌شود. [38] رویکرد تحقیق، کمی است و داده‌های گردآوری‌شده از طریق مطالعه پیمایشی، با آزمون‌های آماری تحلیل می‌شود. مسیر حرکت پژوهش از پذیرش نظریه به سمت مطالعه موردها یا نمونه‌ها حرکت می‌کند بنابراین منطق استدلال مبتنی بر استدلال استنتاجی است. آنالیز داده‌ها از طریق طرح تحقیق توصیفی-تحلیلی و آزمون میانگین داده‌ها، تعیین ضریب همبستگی مؤلفه‌ها و نهایتاً تحلیل عاملی اکتشافی برای سنجش اعتبار مدل پژوهش انجام شده است. تحقیق از حیث زمانی، تک‌مقطعی است و گردآوری داده‌ها در سطح تحلیل گفتمان از طریق فیش‌برداری از منابع مکتوب و مطالعات کتابخانه‌ای و در سطح میدانی، از طریق تهیه و توزیع پرسش‌نامه انجام شده است. بر این اساس مدل ۶ لایه روش‌شناسی تحقیق [39] مطابق تصویر شماره ۳ خواهد بود.



شکل ۲. نمودار لایه‌های نشان‌دهنده سطوح شش‌گانه روش‌شناسی تحقیق (مأخذ: نگارندگان)

## ۴. بستر پژوهش

تهران به‌عنوان پایتخت سیاسی و مرکز اقتصادی و بزرگ‌ترین کلان‌شهر ایران، بنا به ماهیت خود، شهری مهاجرپذیر است و پیوسته به جمعیت ساکنان و شهروندانش افزوده می‌شود. در برنامه‌ریزی‌های توسعه کالبدی آن نیز، رشد جمعیت به‌مثابه یکی از اصلی‌ترین مؤلفه‌های برنامه‌ریزی، مبنا قرار می‌گیرد. از این‌رو، هم‌بستگی و پیوستگی ساکنان و نیز مسافران و گردشگران چنین کلان‌شهرهایی با آن به‌عنوان یکی از شاخص‌های توسعه پایدار [40] و احساس تعلق خاطر آنان به محل سکونت یا حضورشان با همه ویژگی‌ها و فرصت‌های کالبدی و فضایی‌اش، با توجه به تحول‌پذیری جامعه شهری آن، یکی از چالش‌های برنامه‌ریزی شهری پایدار پیش روی شهرسازان و مدیریت شهری است. [41] روشن است که هر چه موقعیت‌های حضورپذیر در شهر بیشتر و از حیث کیفیت فضایی غنی‌تر باشد، احساس تعلق خاطر شهروندان به محیط شهری بیشتر است و این، به تنظیم رفتار آن‌ها در فضاهای شهری و بروز الگوهای رفتاری موردانتظار در میان شهروندان [42] و حتی مهاجران و گردشگران می‌انجامد. [43] در اینجا، اهمیت فضاهای عمومی فرهنگی دوچندان است چراکه ماهیتاً فضایی برای تعاملات اجتماعی در میان شهروندان، مسافران، مهاجران، گردشگران و گروه‌های مختلف اجتماعی هستند و در هدف‌گذاری آن‌ها، ایجاد روابط فرهنگی میان مردم به‌ویژه در کلان‌شهرهای بزرگ چندفرهنگی مانند تهران مورد توجه است تا این تنوع فرهنگی از طریق تجربه فضا و ایجاد خاطرات مشترک، تبدیل به عامل هم‌گرایی و هم‌بستگی میان افراد شود.

مدرن‌نیته برقرار کند. برای انتخاب بناهای مورد مطالعه، فهرستی از ۳۰ مجموعه بنا تنظیم شده و سپس از گروهی از متخصصان معماری و شهرسازی خواسته شد به معیارها بالا امتیاز دهند. نتیجتاً صرف‌نظر از هشت مجموعه فرهنگی از همان فهرست که در مطالعه دیگری به آن‌ها پرداخته شد، بناهای جدول ۲ در این پژوهش انتخاب شد.

### ۵. یافته‌های پژوهش و تحلیل داده‌ها

پس از مشخص شدن هفت فضای فرهنگی عمومی توسط متخصصان بر اساس معیارهای شش‌گانه، برای سنجش و ارزیابی میزان تأثیرگذاری هر یک از مؤلفه‌ها و عوامل تشکیل‌دهنده ابعاد پدیدارشناختی فضا در هر کدام از این مجموعه‌ها، آن‌طور که نزد مخاطبان، ادراک و فهم می‌شود، پرسش‌نامه‌ای متشکل از ۱۲ متغیر قابل‌ادراک توسط مردم تنظیم و در میان کاربران فضاهای مذکور توزیع شد و از آنان خواسته شد که با توجه به تجربه خود از فضا، به پرسش‌ها پاسخ دهند. مطابق جدول شماره ۱ ابعاد پدیدارشناختی فضا منطبق بر تریالکتیک فضایی لوفور، از چهار بعد یا مؤلفه مورد پرسش قرار گرفت. با توجه به اینکه برخی از بناهای مورد مطالعه کم‌تر از سایر گزینه‌ها مورد بازدید افراد قرار می‌گیرند، در مطالعه، حد کم‌ترین که قابل‌اعتنا برای همه موارد است در نظر گرفته شده است. مطابق جدول مورگان اگر جامعه آماری ۱۰۰ نفره را به‌عنوان افراد بازدیدکننده روزانه از هر یک از بناها در نظر بگیریم، لازم است ۸۰ پرسش‌نامه واجد شرایط جهت تحلیل داده‌ها در اختیار باشد. [52] پرسش‌نامه‌ها به صورت کاغذی در


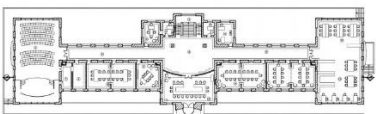

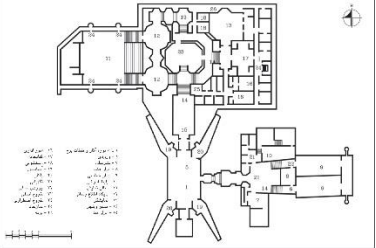

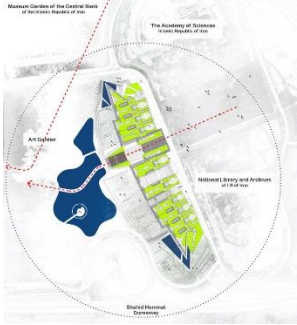

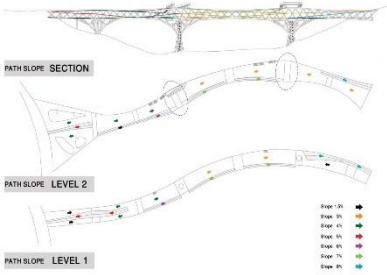
جوامع فردی گوناگون، شباهت‌های مینیاتوری قابل‌توجهی از شیوه‌های فرهنگی خود در کلان‌شهرها ایجاد می‌کنند و به هویت‌های شهری، سرزندگی می‌بخشند. برخلاف شهر تک فرهنگی در گذشته، مهاجران و گروه‌های انسانی مختلف، تنوع فرهنگی شهرها را غنی کرده‌اند و شهرها با فرهنگ‌ها، سبک‌های زندگی و الگوهای مختلف زندگی، متنوع‌تر شده‌اند. [44] از اینجاست که سه‌گانه پدیدارشناختی فضا، کارکردی فرهنگی-اجتماعی می‌یابد و چگونگی تأثیرگذاری فضا بر انسان‌ها از تجربه زیسته‌شان محل مطالعه واقع می‌شود.





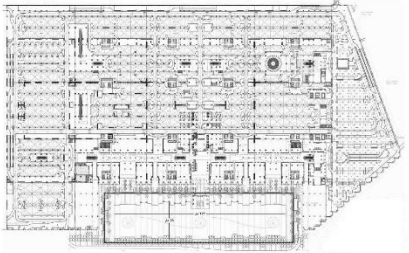
در این مطالعه، با این مفروض که همگرایی و همبستگی سه وجه پدیدارشناختی فضا اعم از کنش فضایی، بازنمایی فضا و فضای بازنمایی در اندیشه آنری لوفور، در تجربه زیسته افراد و میزان تأثیرگذاری هر یک از مؤلفه‌های سازنده آن‌ها قابل ارزیابی است، ۷ مجموعه فرهنگی عمومی به انتخاب متخصصان مورد مطالعه میدانی قرار گرفته که در جدول شماره ۲ معرفی شده است. مؤلفه‌های انتخاب این فضاها عبارت‌اند از: ۱. امکان بهره‌برداری از فضا برای همه آحاد جامعه ۲. ویژگی‌های خاص فضایی در معماری مجموعه به‌نحوی که نشانه‌های معنادار و نیز ساختار هم‌نشینی نشانه‌ها به طور ضمنی یا مستقیم بر تجربه فضایی افراد و ادراکات حسی آنان تأثیرگذار باشد. ۳. ساختار و روابط فضایی برای کاربران روشن و عملکرد، به نیاز آنان پاسخ‌گو باشد. ۴. موقعیت‌های حضورپذیر به‌خوبی تعریف و طراحی شده باشد. ۵. تجربه فضا مورد خواست افراد جامعه باشد و دست‌کم یک بار بازدید از آن در برنامه زندگی بخش قابل‌توجهی از مردم قرار گیرد. ۶. بنا از حیث تاریخی، واجد اهمیت باشد. به این معنا که نسبتی با تاریخ، معاصریت یا



میان افراد حاضر در هر یک از بناها توزیع شد. همچنین پرسش‌نامه‌های الکترونیک نیز توزیع شد و از مخاطبان خواسته

جدول ۲. معرفی مجموعه‌های فرهنگی مورد پژوهش در گردآوری داده‌های میدانی (مأخذ: نگارندگان)

ردیف	نام اثر	نام معمار	سال بهره‌برداری	کاربری	تصویر	پلان
۱	خانه هنرمندان	بنا از دوران پهلوی اول است که توسط بیژن شافعی بازسازی شده است.	۱۳۷۸	فرهنگی- هنری		 منبع: دانشنامه آنلاین هنر معماری، در دسترس به تاریخ: ۱۰.۲۲.۱۴۰۱ [45]
۲	مجموعه فرهنگی میدان آزادی	حسین امانت	۱۳۵۰	فرهنگی- یادمانی		 منبع: میرمیران و همکاران، ۱۳۸۸:۴۰۹ [46]
۳	باغ کتاب تهران	مهندسین مشاور پل میر	۱۳۹۶	فرهنگی تفریحی		 منبع: دانشنامه آنلاین هنر معماری، در دسترس به تاریخ: ۱۰.۲۲.۱۴۰۱ [47]
۴	پل طبیعت	لیلا عرقیان، سحر یاسایی، علیرضا بهزادی	۱۳۹۳	فرهنگی- هنری شهری		 منبع: وبسایت گروه معماری دیبا در دسترس به تاریخ: ۱۰.۲۲.۱۴۰۱ [48]

		فرهنگی، تاریخی	۱۳۵۷	عهد قاجار	کاخ گلستان	۵
منبع: پرونده ثبت جهانی کاخ گلستان در سازمان یونسکو ۲۲. ۱۴۰۱.۰۹ [49]		فرهنگی- تفریحی	۱۳۸۸	مهندسین مشاور متفاوت از جمله نگیم شهر آینده	بوستان آبواتش	۶
		فرهنگی- تفریحی	از ۱۳۹۰ به مرور	مهندسین مشاور مختلف	فضاهای فرهنگی بازار بزرگ ایران	۷
منبع: وبسایت رسپینا ۲۴ در دسترس به تاریخ ۲۲. ۱۴۰۱.۰۹ [50]				منبع: گروه معماری آرل در دسترس به تاریخ ۲۲. ۱۴۰۱.۰۹ [51]		

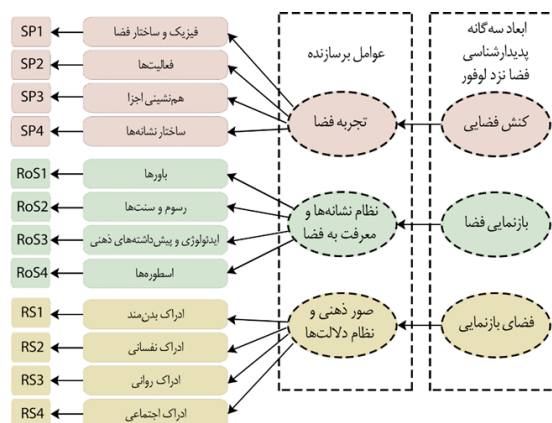
بعد کنش فضایی، مؤلفه فیزیکی و ساختار فضا با میانگین ۴.۲۷ و پس از آن مؤلفه ساختار نشانه‌ها با میانگین ۴.۰۸ بیشترین امتیاز را کسب کرده‌اند. این داده می‌رساند که پاسخ‌دهندگان قادر به درک ساختار فضا و رابطه اجزا با یکدیگر و فهم زبانی که معانی را منتقل کند، در مجموعه‌های تجربه‌کرده‌شان، هستند. در بعد بازنمایی فضا، مؤلفه ایدئولوژی و پیش‌داشته‌های ذهنی با میانگین ۴.۰۹ بالاترین امتیاز را به خود اختصاص داده است. نشان می‌دهد که پاسخ‌دهندگان در مواجهه با فضا، ذهنیت‌های خود را در تطبیق با تجربه‌های جدید در قضاوت ارزش‌های کیفی فضا، دخالت می‌دهند و نسبتی از آن را انتظار دارند. به این معنا که انتظارشان از هر فضا، با توجه به کاربری آن، در نسبت با ذهنیت‌شان تبلور می‌یابد و فضاهای جدید را در راستای آن

شد در مورد تجربه فضایی‌شان از هر یک از ساختمان‌ها به سؤالات پاسخ دهند. نهایتاً از میان صدها پرسش‌نامه، برای هر یک از بناهای مورد مطالعه ۸۰ پرسش‌نامه واجد شرایط انتخاب شد و مورد تحلیل قرار گرفت. مدل پژوهش مطابق نمودار تصویر شماره ۴ جهت تحلیل عوامل تشکیل‌دهنده ابعاد سه‌گانه پدیدارشناسی فضا طراحی شد.

داده‌های حاصل از پرسش‌نامه‌ها در نرم‌افزار SPSS 26 وارد شد و مورد تحلیل قرار گرفت. مبنای اندازه‌گیری پرسش‌ها، مقیاس لیکرت است و سؤالات به نحوی تنظیم شده است که پاسخ‌دهندگان تأثیر مؤلفه مدنظر را با توافق یا توافق زیاد نشان دهند. یعنی انتظار می‌رود نمرات به سمت نمره ۴ میل کنند. داده‌های توصیفی مطابق جدول شماره ۳ نشان می‌دهد که در

فضای عمومی در کنار سایر شهروندان اهمیت داده‌اند و از فضای انتظار داشته‌اند تا چنین موقعیتی را هرچه بیشتر فراهم آورد.

در جدول شماره ۴ میانگین کلی هر بعد و نیز ضریب سنجش پایایی پرسش‌نامه در مورد هر یک از ابعاد و کل پرسش‌نامه نشان داده شده است. در بعد بازنمایی فضای نمره میانگین کلی هر چهار مؤلفه از نمره میانگین مؤلفه‌های بعد کنش فضایی کمتر است که می‌رساند پاسخ‌دهندگان در ثبت نظرهای قاطع از دو طیف کران بالا و پایین تردید داشته‌اند. این اتفاق به همین ترتیب در مورد بعد فضای بازنمایی اتفاق افتاده است و میانگین مؤلفه‌های آن کمترین مقدار را نشان می‌دهد. بنابراین مؤلفه‌های معطوف به کالبد بنا، امکان فعالیت‌های مختلف، رابطه میان بخش‌های فضا و ساختار هم‌نشینی نشانه‌ها در کلیت فضا، سهم بیشتری در بازتولید امر فضایی در تجربه زیسته افراد داشته است. برای سنجش پایایی تحقیق، ضریب آلفای کرونباخ هر یک از ابعاد به‌طور مجزا و نیز کلیت پرسش‌نامه محاسبه شد که پایایی پرسش‌نامه با ضریب ۰.۷۱۲ مورد تأیید قرار گرفت.



شکل ۴. مدل پژوهش جهت تحلیل عوامل تشکیل‌دهنده ابعاد سه‌گانه پدیدارشناسی فضا (مأخذ: نگارندگان)

فضاوت می‌کند. بنابراین ساختار فضا و کیفیت فضایی باید به‌نحوی طراحی شود که با آن ذهنیت‌ها رابطه‌ای برقرار کند. در بعد فضای بازنمایی، مؤلفه ادراک اجتماعی بالاترین میانگین را با نمره ۴.۰۵ داشته است. در این بعد، میانگین نمرات از دو بعد پیشین کمتر است که نشان می‌دهد ارزیابی ادراکات بدنی، نفسانی، روانی و اجتماعی برای پاسخ‌دهندگان تا حدی دشوار بوده است. بالا بودن نمره ادراک اجتماعی می‌رساند که افراد، پاسخ‌گویی فضا به نیازهای روانی‌شان از امر اجتماعی و تجربه

جدول ۳. داده‌های توصیفی هر یک از ابعاد و مؤلفه‌های آن‌ها حاصل از یافته‌های تحقیق

Factors	Variables	Labels	N	Sum	Mean	Std. Deviation
SP	SP1	Physics and the structure of space	80	342	4.27	.856
	SP2	Activities	80	274	3.43	1.178
	SP3	Component relationships	80	292	3.65	1.115
	SP4	The structure of signs	80	326	4.08	1.016
RoS	RoS1	Beliefs	80	249	3.11	1.191
	RoS2	Customs and traditions	80	279	3.49	1.055
	RoS3	Ideology and mental assumptions	80	327	4.09	1.116
	RoS4	Myths	80	292	3.65	1.104
RS	RS1	Embodied perception	80	292	3.65	1.045
	RS2	Self-awareness perception	80	275	3.44	1.077
	RS3	Psychological perception	80	240	3.00	1.147
	RS4	Social perception	80	324	4.05	0.913
12 items		Valid N	80		3.658	

جدول ۴. سنجش پایایی پرسش‌نامه در مورد هر یک از ابعاد و نیز کل پرسش‌نامه

Factors	Variables	Labels	N	Extraction	Grand Mean
<b>SP</b>	<b>Cronbach's Alpha</b>			<b>0.833</b>	
	SP1	Physics and the structure of space	80	.514	<b>3.85</b>
	SP2	Activities	80	.684	
	SP3	Component relationships	80	.739	
	SP4	The structure of signs	80	.770	
<b>RoS</b>	<b>Cronbach's Alpha</b>			<b>0.836</b>	
	RoS1	Beliefs	80	.692	<b>3.58</b>
	RoS2	Customs and traditions	80	.839	
	RoS3	Ideology and mental assumptions	80	.455	
	RoS4	Myths	80	.747	
<b>RS</b>	<b>Cronbach's Alpha</b>			<b>0.859</b>	
	RS1	Embodied perception	80	.832	<b>3.53</b>
	RS2	Self-awareness perception	80	.905	
	RS3	Psychological perception	80	.713	
	RS4	Social perception	80	.385	
<b>12 items</b>	<b>Cronbach's Alpha</b>			<b>0.712</b>	

جدول ۵. نتیجه آزمون KMO و بارتلت

Kaiser-Meyer-Olkin Measure of Sampling Adequacy.	.717	
Approx. Chi-Square	490.664	
Bartlett's Test of Sphericity	df	66
	Sig.	.000

تحلیل داده‌ها مطابق نمودار Scree plot نشان داده شده در تصویر ۵ روشن می‌سازد که مؤلفه‌های دوازده‌گانه تحقیق می‌تواند ذیل سه عامل تجمیع شود. بنابراین تا اینجا انتخاب سه بعد برای سنجش مؤلفه‌ها، مورد تأیید قرار می‌گیرد و نشان می‌دهد ۱۲ پرسش مطرح شده می‌توانند سه عامل اصلی را نمایندگی کنند. حال لازم است مشخص شود هر یک از ابعاد ذیل کدام بعد قرار می‌گیرد تا صحت مدل پژوهش نمودار تصویر ۳ مورد ارزیابی واقع شود.

پس از تعیین نقش هر یک از مؤلفه‌ها لازم است که صحت انتخاب آن‌ها مورد تحلیل قرار گیرد. به این معنا که آیا هر یک از مؤلفه‌های تعیین شده ذیل ابعاد سه‌گانه فضایی، هر یک از آن‌ها را به‌درستی نمایندگی می‌کنند یا خیر. بنابراین لازم است مسیر تحقیق برعکس طی شود و از طریق تحلیل عاملی اکتشافی، سؤالات مورد ارزیابی واقع شود تا روشن شود هر مؤلفه ذیل کدام یک از ابعاد جای می‌گیرد. [53-54] برای این منظور، نخست لازم است از طریق آزمون KMO مقدار آماره آزمون تعیین شود تا نشان دهد که میزان همبستگی موجود میان داده‌ها برای تحلیل عاملی مناسب است یا خیر. نتیجه آزمون مطابق جدول شماره ۵ نشان می‌دهد که ضریب KMO بیش از ۰.۷ است و همبستگی میان داده‌ها برای انجام تحلیل عاملی مناسب است.

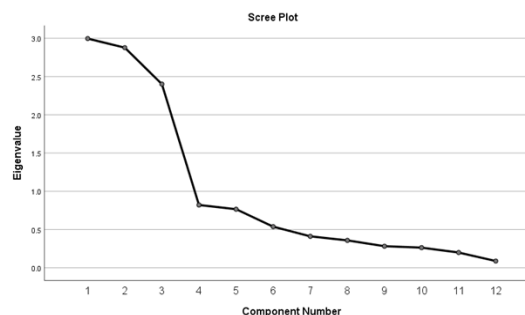
جدول شماره ۶، سهم هر یک از متغیرها روشن می‌شود. بر اساس داده‌های تحلیل‌شده، در بعد فضای بازنمایی، متغیر ادراک نفسانی یا ادراک مبتنی بر خودآگاهی از فضا، بیشترین سهم را دارد و پس از آن، متغیرهای ادراک بدن‌مند، ادراک روانی و ادراک اجتماعی می‌ایستند. در بعد بازنمایی‌های فضا، به ترتیب آداب‌ورسوم، اسطوره‌ها، باورها و ایدئولوژی و پیش‌داشته‌های ذهنی می‌ایستند و در بعد کنش فضایی، متغیرهای ساختار نشانه‌ها، هم‌نشینی اجزا، فعالیت‌ها و فیزیک و ساختار فضا، به ترتیب از این بعد نمایندگی می‌کنند.

جدول ۶ ماتریس مؤلفه‌های چرخش‌یافته برای تعیین مؤلفه‌های هر یک از عوامل مؤثر

Variables	Component		
	1	2	3
RS2	.950		
RS1	.912		
RS3	.843		
RS4	.619		
RoS2		.913	
RoS4		.862	
RoS1		.830	
RoS3		.669	
SP4			.874
SP3			.860
SP2			.823
SP1	.149		.701

### نتیجه‌گیری

یافته‌های مطالعه حاضر نشان داد که ابعاد پدیدارشناختی فضا در روند تولید فضای عمومی شهری در قلمروی کاربری‌های فرهنگی، به نحوی قابل‌احصا و ارزیابی است که در تجربه زیسته افراد از فضا ملموس و محسوس است. این امر می‌تواند در برنامه‌ریزی فضاهای شهری و طراحی کالبدی‌های معماری، به



شکل ۵. نمودار Scree Plot در تحلیل عاملی نشان‌دهنده تعداد عوامل تأثیرگذار بر تجربه زیسته افراد از فضاهای مورد مطالعه

همان‌طور که نمودار بازویی تصویر ۵ مشاهده می‌شود، واریانس مقدار ویژه سه عامل بالاتر از عدد ۱ و با فاصله قابل توجه از سایر عوامل قرار دارد و این نشان می‌دهد مؤلفه‌ها ذیل سه عامل اصلی قابل دسته‌بندی هستند. برای تعیین مؤلفه‌های مؤثر ذیل هر یک از عوامل لازم است ماتریس مؤلفه‌های چرخش‌یافته داده‌ها استخراج شود. نتایج ماتریس در جدول شماره ۶ نشان داده شده است.

مطابق نتایج ماتریس مؤلفه‌های چرخش‌یافته کاملاً روشن است که متغیرهای دسته‌بندی‌شده ذیل هر یک از عوامل، دقیقاً همان مؤلفه‌های تعیین‌شده در مدل پژوهش است. همچنین نشان می‌دهد که سهم هر یک از این متغیرها در هر عامل (بعد) چقدر است. تنها در مورد متغیر SP1 نشان می‌دهد که این متغیر می‌تواند عامل شماره ۱ را نیز تاحدی نمایندگی کند. این امر ناشی از آن است که متغیر SP1 یعنی فیزیک و ساختار فضا می‌تواند به متغیر ادراک بدن‌مند و تجربه زیسته افراد از فضاها نزدیک باشد و در نتیجه می‌رساند که این متغیر می‌تواند تاحدی در عامل فضای بازنمایی نیز سهمیم باشد. با توجه به داده‌های

فضا در تجربه زیسته شهروندان تهرانی که می‌توانند ساکنان، مسافران و مهاجران باشند، به شرط تبیین دقیق مؤلفه‌های برسازنده‌شان و سنجش آن‌ها نزد کاربران فضا، می‌تواند اصولی را روشن سازد که برنامه‌ریزی‌های شهری و معماری را در مقیاس کلان و خرد به نحوی تحت تأثیر قرار دهد که انسان‌ها در موقعیت‌های فضایی آن را امتدادی از خویشتن فردی و جمعی خود ببینند و ارتباط جسمی، روحی، روانی و متافیزیکی با آن برقرار کنند و خود را بیگانه از فضا نپندارند. مدل مطرح‌شده پدیدارشناسی فضا در این پژوهش، می‌تواند با بسط دقیق مؤلفه‌ها، گسترش یابد و در کنش‌های طراحی را در همه ابعاد خود تحت تأثیر قرار دهد. این موضوع در مورد تهران که شهری است همواره رو به رشد از حیث جمعیت و گستردگی‌های عمودی و افقی، و هر روز بافت جمعیتی متفاوتی را نسبت به روز قبل تجربه می‌کند و در ازاین‌رو در معرض آسیب‌پذیری‌های فرهنگی، اجتماعی و انسانی است، حائز اهمیت بیشتری است. خلق موقعیت زیستی برای میلیون‌ها نفر که با شهر زادگاه یا محل سکونت‌شان پیوند ذهنی-روانی، عاطفی و اجتماعی دارند، در فرهنگی که می‌کوشد خود را پایدار نگه دارد، ضروری است. این امور محقق نمی‌شود مگر آنکه نظام برنامه‌ریزی‌های فضایی، طراحی شهری و معماری، چه در سطح آکادمیک و چه در سطح برنامه‌های اجرایی به ابتدای حضور تام انسان در فضا مورد بازاندیشی و مطالعاتی از این دست قرار گیرد.

طرز معناداری آن‌ها را تحت تأثیر مؤلفه‌های خود قرار دهد. جامعه بازدیدکنندگان از فضاهای فرهنگی خانه هنرمندان، برج آزادی، باغ کتاب، پل طبیعت، کاخ گلستان، بوستان آب‌و‌آتش و فضاهای فرهنگی مجتمع تجاری ایران، از بعد کنش فضایی، سهم کالبد معماری را با مشخصه‌های برسازنده آن اعم از مصالح، تناسبات، هندسه، سیرکولاسیون حرکت و غیره بیشتر از سایر مؤلفه‌ها می‌دانند. این امر نشان می‌دهد که در پروژه‌هایی که بنا به اهداف مختلف، مقیاس فضا به‌عنوان عامل تعیین‌کننده مورد توجه معمار بوده است مانند آنچه در تجربه فضایی ساختمان‌هایی مانند برج آزادی، باغ کتاب، پل طبیعت و مرکز تجاری ایران رخ داده، کیفیت فضایی را در ذهن مخاطبان اثربخش‌تر کرده است. عامل بعدی، هم‌نشینی عناصر و ساختار فضاست به‌نحوی که مخاطب می‌تواند در فواصل مختلف از بنا، ادراکات متفاوتی از عناصر داشته باشد و پروژه را در تکرار بیشتری تجربه کند. همچنین تعامل آن‌ها را در خلق کیفیت فضا درک کند و یا دست‌کم چنین موقعیتی را انتظار دارد و مطلوب می‌شمارد. در بعد فضای بازنمایی، مؤلفه ادراک اجتماعی بیشترین امتیاز را کسب کرده است که نشان می‌دهد افراد، فضا را در موقعیت اجتماعی‌اش تجربه می‌کنند و حضور دیگران را در فضاهای عمومی فرهنگی مطلوب می‌پندارند. حضور افراد را در کنار خود پذیرا هستند و از خلوتی فضا به‌عنوان صفت نامطلوب نام می‌برند. این امر، فضا را به موقعیت خاطره‌انگیز جمعی تبدیل می‌کند که طی زمان می‌تواند بستر خلق خاطرات بین‌نسلی را فراهم آورد و بنا را در ذهن چند نسل ماندگار سازد.

با هدف تبیین نقش رویکرد پدیدارشناختی فضا از منظر تولید فضای آنری لوفور می‌توان نتیجه گرفت که ابعاد سه‌گانه تولید

Baltimore. Transactions - Institute of British Geographers, 18(1).  
<https://doi.org/10.2307/623071>

[11].Arendt, H. (2020). *The Life of the Mind* (M. (trans) Olia (Ed.); 5th ed.). Tehran: Qoqnoos Publications.

[12].Parto, S., Salehi, S., Akbari, A., & Tanhaei, H. A. (2021). Investigating the Role of Walls in the Dialectic of Rupture and Connection in Contemporary Houses Based on Users' Lived Experience. *The Monthly Scientific Journal of Bagh-e Nazar*, 18(99), 25–42.  
<https://doi.org/10.22034/bagh.2021.241971.4616>

[13].Asadpour, A. (2021). Phenomenology of Place: A Framework for the Architectural Interpretation in Visual Arts (Case Study: Sohrab Sepehri's Drawings). *International Journal of Architecture and Urban Development*, 11(1), 47–60.  
<https://doi.org/10.30495/ijaud.2021.16767>

[14].Hosseini Gohari, P., Akbari, A., & Afhami, R. (2022). Analysis of interaction between the mentality and trialectic of Lefebvre's production of space in the quality of contemporary cultural architecture in Tehran. *International Journal of Urban and Rural Management*, 21(66), 89–106.  
<http://ijurm.imo.org.ir/article-1-3218-en.html>

[15].Schmid, C. (2008). Henri Lefebvre's theory of the production of space: Towards a three-dimensional dialectic. In *Space, Difference, Everyday Life: Reading Henri Lefebvre*.  
<https://doi.org/10.4324/9780203933213>

[16].Malekzadeh, H., & Mohammadzadeh, S. (2020). The artwork as a structure of consciousness: an introduction on what Art is. *Honar-Ha-Ye-Ziba: Honar-Ha-Ye-Tajassomi*, 25(3), 13–22.  
<https://doi.org/10.22059/JFAVA.2019.269870.666076>

## منابع:

[1].Carr, S., Francis, M., Rivlin, L. G., & Stone, A. M. (1992). *Public space* (S. Carr (Ed.)). Cambridge University Press.

[2].Bratina Jurkovič, N. (2014). Perception, experience and the use of public urban spaces by residents of urban neighbourhoods. *Urbani Izziv*, 25(1), 107–125.  
<https://doi.org/10.5379/urbani-izziv-en-2014-25-01-003>

[3].Butler, C. (2012). Henri Lefebvre: Spatial politics, everyday life and the right to the city. In *Henri Lefebvre: Spatial Politics, Everyday Life and the Right to the City*.  
<https://doi.org/10.4324/9780203880760>

[4].Butler, C. (2020). Henri Lefebvre: Spatial politics, everyday life and the right to the city (N. (trans) Jahanzad (Ed.)). Tehran: Hamshahri.

[5].Lefebvre, H. (1991). *The Production of Space* (D. (trans) Nicholson-Smith (Ed.)). Blackwell Publishers.  
<https://www.worldcat.org/title/production-of-space/oclc/22624721>

[6].Merrifield, A. (2006). Henri Lefebvre: A critical introduction. In *Henri Lefebvre: A Critical Introduction*.  
<https://doi.org/10.4324/9780203956779>

[7].Merrifield, A. (2021). Henri Lefebvre: A critical introduction (A. (trans) Alimohamadi (Ed.)). Tehran: Hamshahri.

[8].Zieleniec, A. (2008). *Space and Social Theory*. SAGE Publications Ltd.  
<https://doi.org/http://dx.doi.org/10.4135/9781446215784>

[9].Torkameh, A. (Ed.). (2017). *An introduction to Lefebvre's the production of the space* (2nd ed.). Tehran: Teesa Publications.

[10].Merrifield, A. (1993). *The struggle over place: redeveloping American Can in southeast*

- Emplacement (The Selected Writings of David Seamon). Routledge. <https://doi.org/10.4324/9781003328223>
- [26].Madanipour, A. (1996). Design of Urban Space: An Inquiry into a Socio-Spatial Process. Wiley.
- [27].Gehl, J. (2017). Life between Buildings: Using Public Space (Persian tr). Tehran: Parham Naghsh.
- [28].Partovi, P. (2015). Phenomenology of Place (4th ed.). Art Academy Press. <https://b2n.ir/247521>
- [29].Rapoport, A. (1990). The Meaning of the Built Environment: A Nonverbal Communication Approach. University of Arizona Press.
- [30].Rapoport, A. (2013). The Meaning of the Built Environment: A Nonverbal Communication Approach (F. Habib (Ed.); Persian tr). Tehran: IT department of Tehran Municipality.
- [31].Sabri, C. R. (2014). Evolution in design: myths and images in design process. Tehran: Parham Naghsh. <https://b2n.ir/h52305>
- [32].Norberg-Schulz, C. (1980). Genius Loci: Towards a Phenomenology of Architecture. Rizzoli International Publications.
- [33].Norberg-Schulz, C. (2000). Architecture : presence, language and place. Skira architecture library.
- [34].Perez-Gomez, A. (1983). Architecture and the Crisis of Modern Science. <https://mitpress.mit.edu/books/architecture-and-crisis-modern-science>
- [35].Lawson, B. (2007). Language of Space. In Language of Space. Routledge, Architectural Press. <https://doi.org/10.4324/9780080509969>
- [36].Lawson, B. (2019). the Language of Space (A. Einifar & F. Karimian (Eds.); Persian tr). University of Tehran Press.
- [17].Burke, P. (2011). What is cultural history? (M. Ghelich & N. (trans) Fazeli (Eds.)). Research Institute of Islamic History.
- [18].Gharehbaglou, M., & Roohifar, S. (2018). The history of public mentalities as an influential factor on the quality of housing. Honar-Ha-Ye-Ziba: Memaary Va Shahrsazi, 3(1), 67–80. <https://doi.org/10.22059/JFAUP.2018.238201.671763>
- [19].Ameli, S., Akhavan, M. (2013). Representation of Identical City Elements in Travel Writings: A Comparative Study f Tehran and Other cities in Tehran Province. Quarterly of Social Studies and Research in Iran, 1(4), 75–100. <https://doi.org/10.22059/JISR.2013.36571>
- [20].Akbari, A. (2019). Investigation of Built-Space Narratives based on Ratio of “Dialectic of Space-Time” and “Body.” Iranian Journal of Anthropological Research (IJAR), 8(2), 75–97. <https://doi.org/10.22059/ijar.2019.71599>
- [21].Holl, S., Perez-Gomez, A., & Pallasmaa, J. (2017). Questions of Perception: Phenomenology of Architecture; (persian ed). Tehran: Parham Naghsh. <https://b2n.ir/x30205>
- [22].Goonewardena, K., Kipfer, S., Milgrom, R., & Schmid, C. (2008). Space, difference, everyday life: Reading Henri Lefebvre. In Space, Difference, Everyday Life: Reading Henri Lefebvre. <https://doi.org/10.4324/9780203933213>
- [23].Coates, G. J., & Seamon, D. (1984). Toward a Phenomenology of Place and Place-Making: Interpreting Landscape, Lifeworld and Aesthetics. Oz, 6(1). <https://doi.org/10.4148/2378-5853.1074>
- [24].Seamon, D. (2018). Life takes place: Phenomenology, lifeworlds, and place making. In Routledge. <https://doi.org/10.4324/9781351212519>
- [25].Seamon, D. (2023). Phenomenological Perspectives on Place, Lifeworlds and Lived



- [46].Mirmiran, H. (2010). Contemporary Iranian architecture: 75 years of experience in public buildings (1922 to 1997). Tehran: Payam Sima.
- [47].Bagh-e Kateb Tehran. (2021). AOA Pedia. [https://aoapedia.ir/احترام-به-گذشته-احترام-به-آینده-ی-خو/#iLightbox/gallery\\_image\\_3/1](https://aoapedia.ir/احترام-به-گذشته-احترام-به-آینده-ی-خو/#iLightbox/gallery_image_3/1)
- [48].Pole Tabiat. (2014). DIBA Group. <https://dibats.com/fa/project/طراحی-و-مهندسی-پل-طبیعت/>
- [49].ICHHTO. (2012). Golestan Palace, For Inscription on the world heritage list. <https://whc.unesco.org/uploads/nominations/1422.pdf>
- [50].Ab-o-Atash Park. (2021). <https://respina24.ir/mag/ab-o-atash-park/>
- [51].Editorials, A. (2020). Iran Mall. <https://www.arel.ir/fa/News-View-7108.html>
- [52].Nobakht, M. B. (2017). Advanced Research Methods (4th ed.). Jahade Daneshgahi. <https://b2n.ir/505444>
- [53].Taherdoost, H., Sahibuddin, S., & Jalaliyoon, N. (2014). Exploratory factor analysis: Concepts and theory. 2nd International Conference on Mathematical, Computational and Statistical Sciences.
- [54].Yong, A. G., & Pearce, S. (2013). A Beginner's Guide to Factor Analysis: Focusing on Exploratory Factor Analysis. *Tutorials in Quantitative Methods for Psychology*, 9(2). <https://doi.org/10.20982/tqmp.09.2.p079>
- [37].Pallasmaa, J. (2006). Eyes of the skin: Architecture and the senses. *Architect*, 95(3), 28–29.
- [38].Bazargan, A. (2019). Introduction to qualitative and mixed research methods (9th ed.). Didar Publication. <https://b2n.ir/197726>
- [39].Saunders, M., Lewis, P., & Thornhill, A. (2019). *Research Methods for Business Students* (8th, illustr ed.). Pearson.
- [40].Zou, W., Wei, W., Ding, S., & Xue, J. (2022). The relationship between place attachment and tourist loyalty: A meta-analysis. *Tourism Management Perspectives*, 43(July 2022). <https://doi.org/10.1016/j.tmp.2022.100983>
- [41].Scannell, L., & Gifford, R. (2010a). Defining place attachment: A tripartite organizing framework. *Journal of Environmental Psychology*, 30(1). <https://doi.org/10.1016/j.jenvp.2009.09.006>
- [42].Scannell, L., & Gifford, R. (2010b). The relations between natural and civic place attachment and pro-environmental behavior. *Journal of Environmental Psychology*, 30(3). <https://doi.org/10.1016/j.jenvp.2010.01.010>
- [43].Szaboova, L., Safra de Campos, R., Adger, W. N., Abu, M., Codjoe, S. N. A., Franco Gavonel, M., Das, S., Siddiqui, T., Rocky, M. H., & Hazra, S. (2022). Urban sustainability and the subjective well-being of migrants: The role of risks, place attachment, and aspirations. *Population, Space and Place*, 28(1). <https://doi.org/10.1002/psp.2505>
- [44].Saha, A. (2022). Sustaining multicultural places from gentrified homogenisation of cities. *Cities*, 120. <https://doi.org/10.1016/j.cities.2021.103433>
- [45].Khaneye Honarmandan-e Tehran. (2022). AOA Pedia. <https://aoapedia.ir/طرح-بازسازی-و-توسعه-ی-خانهای-هنرمندان>